

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه شرح

استاد ضرابی اسفند ۱۳۹۹

جلسه چهارم ۹۹/۱۲/۱۱

آیات شریفه: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) - پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵) آری با دشواری آسانی است (۶)»

عنوان: از قوانین حاکم بر زندگی غافل نباشیم

آنچه در آیات قبل، -از اول سوره تا به اینجا- گفته شد (آیا برای تو سینه ات را نگشاده ایم * و بار گرانت را از [دوش] تو برنداشتیم * [باری] که [گویی] پشت تو را شکست * و نامت را برای تو بلند گردانیدیم) اکنون به صورت یک قاعده کلی و عام بیان می‌شود؛ به این معنا که از نظام حاکم بر هستی پرده بر می‌دارد به گونه‌ای که جزمیت و قطعیت موجود در آن به هیچ صورت دستخوش تغییر نخواهد شد. اما دلیل دوبار تکرار شدن این قاعده، وجوه متعددی می‌تواند داشته باشد.

وجه اول: آن وجهی که ابتداء به نظر می‌رسد این است که: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» خبر می‌دهد سختی و رنجی که در راه خداوند تحمل می‌شود قطعاً آسانی بدنبال خواهد داشت؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «... يَا غُلَامُ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَائِهِ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعْنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ...» - ابن عباس گوید: قیصر استری به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) هدیه کرد، یکی از روزها رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر آن استر سوار شد و مرا هم بدنبال خود سوار نمود و بعد فرمود: «ای جوان! به خداوند توجه داشته باش تا خداوند به شما توجه کند.» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۳).

اگر به خداوند توجه داشته باشی و دستورات او را به کار گیری خداوند را مقابل خود مشاهده می‌کنی، در هنگام وسعت و فراخی روزی خدا را بشناس تا خداوند هم در هنگام سختی شما را مورد لطف خود قرار دهد، هرگاه می‌خواهی کمک بخواهی از خداوند بخواه، قلم تقدیر بر آنچه خواهد شد جاری شده و هرچه مقدر باشد انجام خواهد گرفت، اگر مردم کوشش کنند که به شما سودی برسانند ولی در صورتی که مقدر نباشد سعی آن‌ها نتیجه‌ای نخواهد داد و سودی به شما نخواهد رسانید.

اگر توانائی داری که با صبر و یقین کاری انجام دهی در آن کوشا باش و اگر توانائی نداری صبر پیشه کن و در سختی‌ها شکیبیا باش تا خیر زیادی به دست آوری و بدان که صبر، پیروزی می‌آورد و گشایش بعد از مشکلات پیش می‌آید و با هر سختی یک آسانی همراه می‌باشد.

صلای عشق جانان بی بلا نیست	زمانی بی‌بلا بودن روا نیست
اگر صد تیر بر جان تو آید	چو تیر از شست او باشد خطا نیست
از آنجا هر چه آید راست آید	تو کز منگر که کز دیدن روا نیست

عنوان: بی رنج گنج میسر نشود

وجه دوم: منحصر بودن راه تحصیل آسانی‌ها را به تحمل سختی‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد؛ یعنی بدون تحمل سختی‌ها کسی نمی‌تواند به آسانی برسد. پیامبر (صلی الله علیه و آله): «وَاعْلَمَنَّ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا - با هر دشواری آسانی است و بدان که نصرت و یاری خدا در صبر است.» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۳).

چون صبر کنی به مقصود می‌رسی و چون غم و اندوه دهد بعد آن فرح و رستگاری می‌دهد؛ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوْلَاهَا أَنْ لَا يَكْسَلُ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ إِذَا كَسِلَ فَقَدْ

ضَيِّعَ الْحَقَّ وَ إِذَا ضَجِرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ وَ إِذَا شَكَأ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ -
 صبور سه نشانه دارد: اول آن که سستی نمی کند ، دوم آن که افسرده و دلتنگ
 نمی شود و سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی کند ؛ زیرا اگر سستی کند،
 حق را ضایع کرده، و اگر افسرده و دلتنگ باشد شکر نمی گزارد و اگر از
 پروردگارش شکوه کند او را معصیت کرده است «(علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۹) .

و نیز فرمود: « فَلِالصَّبْرِ أَرْبَعُ شُعَبٍ الشَّوْقُ وَ الشَّفَقَةُ وَ الزَّهَادَةُ وَ التَّرَقُّبُ فَمَنْ
 اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ
 زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَاوَنَ بِالمُصِيبَاتِ وَ مَنْ تَرَقَّبَ المَوْتَ سَارَعَ إِلَى الخَيْرَاتِ - صبر
 چهار شعبه دارد: شوق، ترس، زهد و انتظار ، هر کس شوق بهشت داشته باشد ،
 از هوا و هوس دست می کشد و هر کس از آتش بترسد، از حرام ها خود را نگه
 می دارد و هر کس به دنیا بی اعتنا باشد ، گرفتاری ها را به چیزی نگیرد و هر
 کس منتظر مرگ باشد ، در کارهای خیر بکوشد. « (معن الجواهر ص ۴۰)

وگرگنجیست، زیر ازدهاییست	اگر کامیست، در کام بلاییست
که مرد بی‌بلا مرد لقا نیست	بلاکش تا لقای دوست بی‌نی

عنوان : مقصود از دو آسانی چیست؟

وجه سوم : در هر سختی دو آسانی است از این رو این آیه شریفه دوبار تکرار
 شده است: «عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: خَرَجَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) مَسْرُورًا فَرِحًا وَ
 هُوَ يَضْحَكُ وَ يَقُولُ: لَنْ يَغْلِبَ عُسْرُ يُسْرَيْنِ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ
 يُسْرًا- پیامبر (صلى الله عليه و آله) خوشحال و خندان درحالی که می‌خندید خارج
 شد و می‌گفت: «هرگز یک سختی بر دو گشایش غالب نشود: پس بدرستی که با
 هر سختی گشایش است، بدرستی که با هر سختی گشایش است». (تفسیر اهل بیت
 عليهم السلام ج ۱۸، ص ۲۰۰)

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خانه یکی از مسلمانان دعوت شدند؛ وقتی
 وارد منزل او شدند مرغی را دیدند که در بالای دیوار تخم کرد و تخم مرغ نیفتاد
 یا افتاد و نشکست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شگفت شدند. صاحب خانه

گفت: آیا تعجب فرمودید؟ قسم به خدایی که تو را به پیامبری برانگیخته است به من هرگز آسیبی نرسیده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله برخاستند و از خانه آن مرد رفتند، گفتند کسی که هرگز مصیبتی نبیند مورد لطف خدا نیست.» (بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۵۶).

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه قصار ۹۳ می فرماید: «نگویید خدایا به تو از فتنه‌ها و گرفتاری‌ها پناه می‌برم، زیرا هیچ کس نیست که با گرفتاری‌ها مواجه نباشد. بگویید: خدایا از فتنه‌های گمراه کننده و از آن جنبه گمراه کننده فتنه‌ها به تو پناه می‌برم.» امام حسن عسکری (ع) می فرماید: «ما من بلیه الا والله فیها نعمه تحیط بها - هیچ گرفتاری و بلایی نیست مگر آنکه نعمتی از خداوند آن را در میان گرفته است.» (بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۳۷۴)

نعمتی که احاطه بر بلا و سختی دارد به معنای افزونی و زیادتی آن نسبت به بلا است.

معنی آن باشد که بستاند ترا بی نیاز از نقش گرداند ترا

معنی آن نبود که کور و کر کند مرد را بر نقش عاشق‌تر کند

عنوان: راز معیت و باهم بودن

چرا خداوند نفرمود پس از هر سختی آسانی است؟ فرمود با هر سختی آسانی است؟

آیه با لفظ "مع" می فهماند که آسانی با رنج توأم است، اگر شما گردویی را در نظر بگیرید که در پشت پوست سخت آن مغزی نهفته است. درست است که شما پس از شکستن پوست آن می‌توانید به مغزش برسید ولی واقعیت این است که این مغز هم‌اکنون به همراه آن پوست وجود دارد.

انسان در عالم طبیعت معمولاً قادر نیست همه ابعاد یک شی را با هم ببیند و با سپری شدن زمانی، بعداً در مواجهه با ابعاد دیگر پدیده‌ها قرار می‌گیرد؛ خداوند

در ورای پوسته سخت رنج‌ها، مغزی از راحتی و آسایش تعبیه نموده است و هم‌اکنون مغز و پوست باهم‌اند.

خداوند در پشت پوسته سخت رنج‌هایی که متحمل می‌شویم و در درون راستی‌ها، وفا داری‌ها، پایبندیها به وظایف انسانی و الهی، هم‌اکنون بهشت باصفایی تعبیه کرده و مهیا و آماده دارد. « وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ - و بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکاران است» (آل عمران/۱۳۳).

در مسایل مختلف زندگی نیز همین‌طور است این از محدودیت ماست که نمی‌توانیم همه این ابعاد یک پدیده را باهم ببینیم مگر پس از گذشت زمان و هویدا شدن همه آن‌ها مانند انسانی که در پایان زندگی‌اش با یک نگاه همه آنچه را در گذشته اتفاق افتاده می‌بیند. خوب است از خود بپرسیم کرم ابریشمی که به صورت پروانه‌ای از پیله بیرون می‌آید آیا پروانه‌ای قبلا وجود نداشته و اکنون وجود یافته یا اینکه به تدریج در برابر ما ابعاد دیگری از وجود خود را ظاهر می‌کند؟ آیا در برابر خداوندگاری که آینده و گذشته و حال برای او بطور یکسان است. مانند ما می‌بیند؟ آیا سخت است بفهمیم که این محدودیت ماست که در حصار زمان زندانی شده‌ایم. نه واقعیت موجود در عالم خارج؟

خداوند نکته مهم و اساسی را به عنوان سنت حاکم بر جان و جامعه و جهان چنین بیان داشته است: «ما اصاب من مصيبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراهها ان ذلک علی الله یسیر لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم والله لا یحب کل مختال فخور - هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [= به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است، این [کار] بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خیالباف خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.» (حدید/۲۲)

در همین منزلی که ما زندگی می‌کنیم پشت‌بامی هم هم اکنون هست اما تا از پله‌ها بالا نرویم آن را نمی‌بینیم. اما اگر امکاناتی داشته باشیم مانند نگهبانی که ده‌ها طبقه یک ساختمان را با دوربین‌های تعبیه شده در هر طبقه با یک صفحه مانیتور می‌بیند. دل‌های پاک مؤمنان از هر دوربینی قدرتمندتر عمل می‌کند و با بشارت‌ها و چشم روشنی‌هایی که با چشم دل می‌بیند با عشق و بی‌قراری بندگی می‌کنند. «
لَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ، شَوْقاً إِلَى الثَّوَابِ، وَ خَوْفاً مِنَ الْعِقَابِ. عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَادُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ، فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا، فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا، فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ - و اگر سرآمد معینی که خداوند برای (زندگی) آنها مقرر داشته نبود یک چشم بر هم زدن، ارواحشان از شوق پاداش الهی و ترس از کیفر او در جسمشان قرار نمی‌گرفت. آفریدگار در روح و جانشان بزرگ جلوه کرده، به همین دلیل غیر او در چشمانشان کوچک است. آنها به کسانی می‌مانند که بهشت را با چشم خود دیده و در آن منتعم اند و همچون کسانی هستند که آتش دوزخ را مشاهده کرده و در آن معذبند!» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳)

به هر حال با توجه به این که در دنیا با هر مشکلی آسانی آمیخته، و با هر صعوبتی سهولتی همراه است، این دو همیشه با هم بوده و با هم خواهند بود.

بنده نبود آنکه از روی گزاف می‌زند در بندگی پیوسته لاف

بنده وقت امتحان آید پدید امتحان کن تا نشان آید پدید